

❖ هفت) کلام مرحوم نایینی درباره شبّهات مصداقیه خاص

۱. مرحوم نایینی می‌فرماید که برخی بین صورتی که عام، قضیه حقیقیه است و صورتی که عام قضیه خارجیّه است، فرق گذاشته‌اند.
۲. ایشان اما در هر دو نوع از قضایا، مطابق مشهور (و آنچه از مرحوم آخوند خواندیم) حکم به عدم رجوع به عام می‌دهد.
۳. استدلال ایشان درباره «عدم تمسک به عام در شبّهات مصداقیه خاص منفصل در صورتی که عام قضیه حقیقیه باشد»، همان است که تاکنون خوانده‌ایم:

«أنّ عنوان العامّ قبل العثور على المخصّص كان تمام الموضوع للحكم الواقعي بمقتضى أصالة العموم المحرزة لعدم دخل شيء في موضوع الحكم غير عنوان العامّ و أنّه يتساوى في ترتّب الحكم كلّ انقسام و تقيضه من الانقسامات المتصورّة في عنوان العامّ، و يكون مفاد قوله: أكرم العلماء- بمقتضى أصالة العموم- هو وجوب إكرام كلّ عالم، سواء كان فاسقا أو غير فاسق، و سواء كان نحوياً أو غير نحوياً. و هكذا الحال في جميع الانقسامات اللاحقة لعنوان العالم، و لكن بعد العثور على المخصّص يخرج عنوان العامّ عن كونه تمام الموضوع و يصير جزء الموضوع، و الجزء الآخر هو عنوان الخاصّ، و تسقط أصالة العموم بالنسبة إلى ما تكفّله الخاصّ، و ينهدم التسوية في بعض الانقسامات التي كانت في العامّ، و لا يكون مفاد العامّ وجوب إكرام العالم سواء كان فاسقا أو غير فاسق، بل يكون مفاد العامّ بضميمة المخصّص هو وجوب إكرام العالم الغير الفاسق، فيكون أحد جزئيّ الموضوع عنوان (العالم) و جزئه الآخر (غير الفاسق)»^۱

۴. ایشان در مورد قضیه قضایای حقیقیه چنین نتیجه می‌گیرد:

«و حاصل الكلام: انّ القضايا الحقيقيّة غير متعرّضة للأفراد، و أنّما يكون الحكم فيها مترتّباً على العنوان بما أنّه مرآة لما ينطبق عليه من الخارجيات، و ليس لها تعرّض لحال المصاديق، و مع هذا كيف يمكن ان نحرز بالعامّ حال المشتبه بالشبهة المصداقيّة؟ و كيف تجرى فيه أصالة العموم؟ مع ما عرفت من انّ أصالة العموم أنّما تكون لإحراز المراد واقعا و لا تحرز المصاديق أصلاً»^۲

۱. فوائد الاصول، ج ۲، ص ۵۲۵

۲. همان



۵. اما مرحوم نایینی در مورد جایی که عام، به صورت قضیه خارجیه وارد شده است، ابتدا اشاره می‌کند که گروهی توهم کرده‌اند که می‌توان به عام تمسک کرد:

« و اما القضايا الخارجیة: فقد يتوهم صحة التمسك فيها بالعام في الشبهات المصدقیة، من جهة ان القضية الخارجیة و ان سیقت بصورة الكبرى الكلية، إلا انه قد تقدم ان الحكم فيها ابتداء يرد على الأفراد بلا توسط عنوان، و العنوان المأخوذ في ظاهر القضية ليس له دخل في مناط الحكم، فالعام في القضية الخارجیة بنفسه ابتداء متکفل لحکم الأفراد، و قد تعرض العام لحکم الفرد المشتبه قبل ورود التخصیص، و بعد ورود الخاص يشک في خروج الفرد المشتبه عن حکم العام، و المرجع حينئذ هو أصالة العموم.»^۱

ما می‌گوییم:

۱- در قضایای خارجیه [قبل از اینکه بگوییم «قمی‌ها را اکرام کن» مرادمان کسانی است که بالفعل قمی هستند]

۲- اگرچه ظاهر کلام، آن است که حکم روی عنوان کلی داشته است ولی واقعیت آن است که حکم در این موارد روی افراد خارجی نشسته است.

۳- پس از ابتدا که عام (اگر قضیه خارجیه است) وارد شده است، ناظر به زید (مشکوک الفسق) است.

۴- ولی بعد از آنکه «لا تکرّم الفساق من القمّیون» وارد شد، شک داریم که آیا این فرد از تحت عام خارج شده است. و اصالة العموم حکم می‌کند که فرد مشکوک، تحت عام باقی بماند.

۶. مرحوم نایینی اما در ادامه، در قضایای خارجیه هم حکم می‌کند که نمی‌توان به عام رجوع کرد؛ چرا که می‌دانیم کیفیت استعمال عام در قضایای حقیقیه و قضایای خارجیه یکسان است و مناط عدم رجوع در هر دو یکی است.

«و لكن الإنصاف: أنه لا فرق بين القضية الحقیقیة و القضية الخارجیة، في عدم التعویل على

العام في الشبهات المصدقیة، للعلم بأنّ کیفیت استعمال العام و الخاصّ یكون فیهما على نهج

واحد و لا یكون الاستعمال في القضية الخارجیة على نحو یغایر نحو الاستعمال في القضية

الحقیقیة و انّ المناط في عدم صحة الرجوع إلى العام فیهما واحد لا یختلف»^۲.

۷. مرحوم نایینی گویی می‌پذیرد که این جواب کامل نیست و اگر موضوع در قضایای خارجیه افراد باشند،

نمی‌توان «نحوه استعمال در قضایای حقیقیه و قضایای خارجیه را یکسان دانست» لذا در ادامه می‌نویسد:

۱. همان، ص ۵۲۶

۲. همان



«انّ العنوان في القضايا الخارجيّة و ان لم يكن له دخل في مناط الحكم، إلّا أنّه على أيّ حال لوحظ مرآتا لما تحته من الأفراد، و الأفراد التي تكون تحته هي ما عدى عنوان الخاصّ، و حينئذ فالمشكوك لا يحرز كونه من افراد العام الّذي لا يكون معنونا بعنوان الخاصّ، فيكون حال القضية الخارجيّة كحال القضية الحقيقيّة.»^۱

توضیح:

۱. اگر عام، قضیه خارجیّه است، نحوه لحاظ آن است که:
۲. عنوان (قمی‌ها) دخلی در حکم ندارد ولی مرآة است برای افراد.
۳. ولی افرادی که «قمی‌ها» قرار می‌گیرند، «قمی‌هایی هستند که فاسق نیستند» و لذا از ابتدا معلوم نیست که این عنوان مرآة برای زید (مشکوک الفسق) باشد.

اشکال های امام خمینی بر محقق نائینی:

۱. حضرت امام دو اشکال را متوجه کلام مرحوم نائینی کرده‌اند.
۲. اشکال اول:

«و لا يخفى أنّ محطّ البحث في المقام هو تخصيص العامّ، لا تقييد المطلق، و قد سبق الفرق بينهما. و قد خلط بينهما بعضهم في المقام أيضا، و قال «۲»: إنّ تمام الموضوع في العامّ قبل التخصيص هو طبيعة «العالم»، و إذا ورد المخصّص يكشف أنّ «العالم» بعض الموضوع، و بعضه الآخر هو «العادل»، فيكون الموضوع - واقعا - هو «العالم العادل»، فالتمسك في الشبهة المصدّاقية للخاصّ يرجع إلى التمسك فيها لنفس العامّ من غير فرق بين القضايا الحقيقيّة و غيرها. انتهى.

و قد عرفت: أنّ الحكم في المطلق و المقيد ما ذكره، و أمّا الحكم في العامّ فعلى أفراد مدخول أداته، لا على عنوان الطبيعة، و المخصّص مخرج لطائفة من أفراد العامّ، كأفراد الفساق منهم.»^۲

توضیح:

- ۱- مرحوم نائینی می‌فرمود، موضوع عام قبل از تخصیص طبیعت عالم است و بعد از تخصیص، معلوم می‌شود که موضوع حکم دو جزء دارد: عالم و عادل.

۱. همان، ص ۵۲۷.

۲. مناهج، ج ۲، ص ۲۴۷.



۲- در حالیکه موضوع عام، طبیعت نیست. بلکه حکم در عام مستقیماً بر افرادی بار می‌شود که مصادیق مدخول اداة عموم هستند (اداة عموم: کل، مدخول اداة عموم: رجل، مصادیق: افرادی که تحت کل رجل هستند)

۳- اولاً اصلاً عنوان مرآة افراد نیست [و این مطلب را امام در موارد مختلف گفته‌اند که یک مفهوم مرآة مفهوم دیگر نیست]

۴- ثانیاً: اگر چنین باشد که مرحوم نائینی می‌گوید، باز هم آنچه موضوع حکم است «عنوان» نیست بلکه افراد موضوع حکم هستند، چرا که حکم واقعاً -ولو به واسطه مرآتیت عنوان - روی افراد قرار گرفته است.

۵- و مخصّص هم گروهی از افراد را از تحت عام خارج می‌کند (و نه اینکه عنوان و قیدی به طبیعت اضافه کند)

۳. اشکال دوم:

«و ما صرّح به کرارا- بأنّ الحکم فی القضايا الحقیقیة علی العنوان بما أنّه مرآة لما ینطبق علیه، و لم یتعرّض للأفراد - غیر تامّ، لأنّ العنوان لا یمکن أن یمکن مرآة للخصویات الفردیة. مع أنّ لازم ما ذکر أن تكون الأفراد موضوعاً للحکم، لأنّ المحکوم علیه المرئی لا المرآة. و التحقیق: أنّ العنوان لم یمکن مرآة إلاّ لنفس الطبیعة الموضوع لها، و أداة العموم تفید أفرادها، و القضية الحقیقیة متعرّضة للأفراد.»

توضیح:

۱. اینکه مرحوم نائینی در موارد مختلف می‌فرماید در قضایای حقیقیه اصلاً «عام» ناظر به افراد نیست، بلکه حکم بر عنوان قرار گرفته است اما از آن جهت که این عنوان مرآتی برای مصادیق خارجی است.

«انّ القضايا الحقیقیة غیر متعرّضة للأفراد، و أنّما یمکن الحکم فیها مترتباً علی العنوان بما أنّه مرآة لما ینطبق علیه من الخارجیات، و لیس لها تعرّض لحال المصادیق»^۱

۲. این سخن تمام نیست.

❖ هشتم) سخن امام در شبهه مصادیق مخصص منفصل

۱. حضرت امام ابتدا می‌نویسند که دلیل اصلی کسانی که تمسک به عام در شبهه مصادیق خاص را حجت می‌دانند همان است که در بیان مرحوم نهایندی خواندیم:

۱. فوائد الاصول، ج ۲، ص ۵۲۵



«عمدة استدلال القائل بجواز التمسك هو: أن العامّ بعمومه شامل لكلّ فرد من الطبيعة و حجّة عليها، و الفرد المشكوك فيه لا يكون الخاصّ حجّة بالنسبة إليه، للشكّ في فرديته، فمع القطع بفرديته للعامّ و الشكّ في فرديته للخاصّ يكون رفع اليد عن العامّ الحجّة بغير حجّة.»^۱

۲. ایشان در ادامه به این دلیل پاسخ می‌دهند. پاسخ ایشان در جهات بسیاری همانند همان مطلبی است که ذیل کلام مرحوم خوئی مطرح کردیم و گفتیم از نظر عقلایی، شناخت مراد متکلم قبل از پرداخت به مصادیق است:

«و الجواب عنه: أن الاحتجاج بكلام المتكلم يتم بعد مراحل: كتمامية الظهور، و عدم الإجمال في المفهوم، و جريان أصالة الحقيقة، و غيرها، و منها إحراز كون إنشاء الحكم على الموضوع على نحو الجدّ، و لو بالأصل العقلائي.»^۲

توضیح:

۱. جایی می‌توان، کلام متکلم را حجت دانست (و به آن احتجاج کرد) که:
۲. اولاً: کلام ظاهر در یک معنی باشد (ظهور در مراد استعمالی)
ثانیاً: معنی کلام مجمل نباشد.
ثالثاً: اصول لفظی مثل (اصالة الحقيقة)، آن ظاهر را حجت کند.
۳. و از زمره همین ترتیب بندی است که:
۴. اگر کلامی از ناحیه متکلم صادر شد که ظهور در «انشاء» دارد، اصالة الظهور (که اصلی عقلایی است و همان اصالة التطابق مراد جدی و مراد استعمالی است) می‌گوید مراد جدی متکلم «انشاء» است. پس «انشاء حجت است»

ما می‌گوییم:

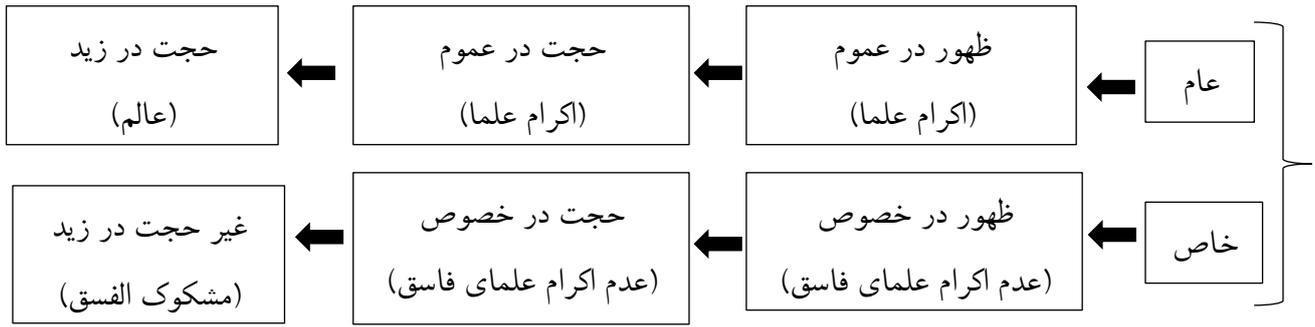
۱. از آنچه گفتیم معلوم شد که:

۱. مناهج الوصول، ج ۲، ص ۲۴۸

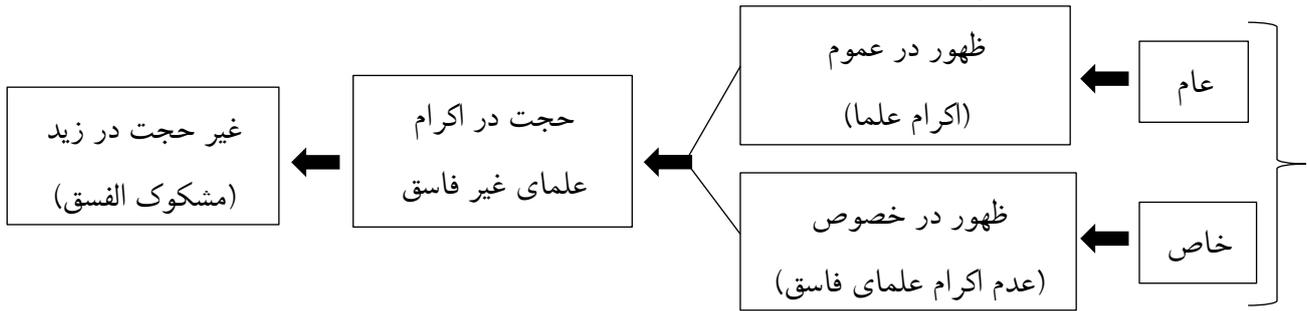
۲. همان



یک) دلیل قائلین به تمسک (نہاوندی)



دو) دلیل قائلین به عدم تمسک (مشہور)



۲. البتہ اگر بخواہیم دقیق تر نظر مشہور را صورت بندی کنیم، چنین است:

